

که صلاحشان ایجاب کند حاضرند قانون و قانون اساسی کشور را بدون کمترین دغدغه خاطری به خشن ترین شکل ممکن زیر پا گذارند.

در هفته اخیر، در حالی که آقای خاتمی، در صحبت هایش، در جمع نمایندگان مجلس همه نهادها را به رعایت قانون و قانون اساسی فرا می خواند، شورای نگهبان ارتجاع یکی از اصول قانون اساسی را خلاف قانون و شرع تشخیص داد.

به گزارش روزنامه نوروز، شنبه ۱۱ خرداد، شورای نگهبان در سومین بررسی خود از طرح تشکیل هیئت منصفه، بخشی از این مصوبه مجلس را که عین اصل ۱۶۸ قانون اساسی است مخالف قانون اساسی شناخت.

موضوع ماده مطرح شده این است که رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دلاگستری صورت بگیرد. جنتی در نامه ای به کربویی این اصل را که عیناً از اصل ۱۶۸ قانون اساسی نسخه برداری شده است مخالف قانون اساسی دانست.

بر این اساس روشن است که بر خلاف تصور برخی از اصلاح طلبان حکومتی حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز چیزی جز بازیچه دست مرتجعان حاکم نیست. آنگاه که ضروری است بر اختیارات نامحدود ولی فقیه تکیه شود حضرات مرتباً از قانون اساسی و قداست آن سخن می گویند و هرگونه تغییر و تفسیری را در این باره خیانت به اسلام و نظام معرفی می کنند و آنگاه که ضروری است از حق بی چون چرای دستگاه های سرکوب رژیم از جمله قوه قضائیه دفاع شود، لوائح مجلس که بر اساس اصل قانون اساسی و در این مورد با نسخه برداری از اصل ۱۶۸ تهیه شده است، خلاف قانون اساسی و شرع معرفی می شوند. از این برخوردار تها می توان یک نتیجه گرفت، در رژیم ولایت فقیه بحث قانون مداری و دفاع از قانون اساسی تنها ابزاری است که ارتجاع حاکم می تواند از آن سود ببرد و نه جنبش مردمی

مردم سفسطه گران و دشمنان آزادی را خوب می شناسند

سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، در سخنانی که در جریان سیزدهمین سالگرد درگذشت خمینی ایراد کرد درباره ضرورت دفاع از آزادی ها از جمله گفت: «من امروز در پیشگاه امام امت و به عنوان

ادامه در صفحه ۲

وقتی که قانون اساسی خلاف قانون است!

بحث بر سر مسأله قانون و ضرورت رعایت آن از جمله موضوعاتی است که در سال های اخیر به کرات مطرح شده و از سوی کلیه جناح ها مرتباً بر آن تاکید شده است. ما به همراه دیگر نیروهای مترقی و آزادی خواه همواره بر این مسأله تاکید کرده ایم که اجرای قانون در کشوری که قوه قضائیه و دیگر نهادهای نگهبان قانون در آن در اختیار ارتجاع حاکم و زیر کنترل ولی فقیه اند، نمی تواند راه گشای معضلاتی باشد که بر سر راه پیشبرد امر اصلاحات قرار دارد. واقعیت این است که قانون در رژیم ولایت فقیه ابزاری است در دست ارتجاع که از آن برای سرکوب حقوق و خواست های یزحق مردم استفاده می شود. ما همچنین بارها تاکید کرده ایم که مرتجعان حاکم هر آنگاه

ضمیمه

نامه مردم
ادکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۳۵، دوره هشتم
سال هجدهم، ۱۴ خرداد ۱۳۸۱

معضل ملی ناهنجاری های اجتماعی، کودکان، زنان و سیاست های ارتجاعی رژیم ولایت فقیه

خودسوزی است. دکتر نعمت الله تقوی در این همایش با ذکر آمار خودکشی در بین شهرهای میانه، تبریز، اهر و مرند، ۶۷ درصد خودکشی های انجام گرفته را بین سنین ۱۶ تا ۳۰ سال اعلام کرد. وی خودکشی بین نو عروسان را به دلایل همان ازدواج های تمحیلی و خشونت برضد آنها، بالاترین رقم دانست. از همه وحشتناک تر آمارهایی بود که داور شیخاوندی در مورد شهر تهران ارایه کرد. بر اساس تحقیقات وی، هر سال نزدیک به ۲۰ هزار نفر در تهران اقدام به خودکشی می کنند. وی با اشاره به آمار خودکشی زنان، گفت: «در جامعه ما قداست مرگ بیشتر از قداست زندگی است و به همین مناسبت در جامعه ما غم و غصه بیشتر است.» دکتر انور صمدی درباره کودکان فراری گفت: «در ایران تعداد کودکان فراری به گونه نگران کننده در حال افزایش است. بر اساس آمار منتشره از سوی نیروهای انتظامی، در ۴ ماهه سوم ۱۳۸۰، تعداد ۶۰۱۵۶ نفر نوجوان فراری توسط نیروهای انتظامی دستگیر شده اند و بر اساس منابع اینترنتی، بیش از ۹۰ درصد نوجوانان به دلیل آزارهای جسمی و روحی از خانه فرار کرده اند.» دکتر شهلا معظمی به مسأله همسر کشی پرداخت و گفت: «اختلافات خانوادگی، ضرب و شتم، عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و روانی از جمله عوامل و انگیزه های همسر کشی بوده و ناآگاهی و بی سوادی زوجین که از جهل خانواده،

ادامه در صفحه ۲

در این هفته همایشی در تهران برگزار شد که موضوع آن بررسی مسأله آسیب های اجتماعی بود. در این سمینار تعدادی از استادان دانشگاه ها و مقامات دولتی به تشریح وضعیت ناهنجاری ها در درون جامعه پرداختند. آمار ارایه شده در باره این ناهنجاری ها که در واقع امر ارمنان بیست و دو مسأله رژیم ولایت فقیه برای مردم ایران می باشد آنچنان وحشتناک، متاثر کننده و هشدار دهنده است که نیاز به رفع این معضل ملی را با توجه به تبعاتی که برای آینده مهین دارد، دوچندان می سازد. دکتر شهین علیایی یکی از استادان شرکت کننده در باره زنان روسپی اظهار داشت که بر اساس تحقیقات انجام گرفته، دلیل روی آوردن به این امر را به جز برآورده کردن نیازهای مادی در مورد زنان معتاد، نیاز معنوی زنان روسپی غیر معتاد را هم دخیل در این امر دانست. وی با اشاره به بحث های کلیشه ای در مورد نهاد «مقدس» خانواده، ادامه داد که روسپی وقتی وارد جامعه می شود که قبح تمامی مسائل برای وی از بین رفته است. شمس خرم آبادی با ارایه آماری از خودکشی به روش خودسوزی در لرستان، افسردگی مزمن، اعتماد به نفس پایین، اعتیاد به الکل و دارو، ازدواج تمحیلی، بیکاری و ... را از دلایل عمده این فاجعه اجتماعی بر شمرد. وی با ذکر یکی از این فجایع گفت: «در روستاهای یک دختر ۱۳ ساله را برای حل مشکلات اقتصادی مجبور به ازدواج با یک پیرمرد ۷۰ یا ۸۰ ساله می کنند که این امر یکی از عوامل

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه معضل ملی ناهنجاری های اجتماعی

تعصب کورکورانه، سن پایین ازدواج و ازدواج های اجباری ناشی می شود از دیگر عوامل تاثیر گذار در همسر کشی است. «وی با اشاره به یکی از موارد قانونی گفت: «بیشتر مردان با استفاده از این قانون از مجازات معاف می گردند.»

آمار تکان دهنده ای که در این همایش به اطلاع عموم رسیده، موضوع جدید و ناگفته ای نیست، متها این بار در همایشی که خود دست اندرکاران دولتی نیز در آن شرکت داشته اند، به آمار تکان دهنده و آرایه شده در واقع امر اعتراف کرده اند. اما مساله مهم که در پرتو تمامی این مباحث همچنان مخفی مانده و کمتر به آن اشاره گردیده، همانا چرایی این ناهنجاری های اجتماعی در سطح وسیع و گسترده می باشد. اشاره های کوچک به وجود قوانین ظالمانه در این همایش گوشه ای کوچک از جنایاتی است که رژیم ولایت فقیه با وضع آنان زنان و کودکان معصوم را قربانی کرده است. در همین هفته اخیر روزنامه های حکومتی به انتشار اخباری در مورد آزار و اذیت کودکانی مبادرت کردند که توسط پدر به قتل رسیده بودند. این امر از چنان وضعیت وحشتناکی حکایت می کند که دست اندرکاران حکومتی را نیز به واکنش واداشته است. آفتاب یزد، ۷ خرداد، در رابطه با یکی از این آسیب های اجتماعی که مقصر اصلی آن را باید رژیم ولایت فقیه دانست با توجه به افزایش آمار ضرب و شتم و قتل کودکان در مورد لایحه جدیدی که قرار است جدیداً به مجلس برود، در مورد مجازات کسانی که مبادرت به این قتل ها می کنند و عمدتاً اولیاء این کودکان هستند، نظر موسوی بجنوردی را می پرسد که در جواب اظهار داشت: «نظرهای مختلفی در این خصوص بین علما وجود دارد. عده ای در مساله قصاص معتقدند که اگر قاتل پدر باشد، حکم قصاص باید جاری و عده ای معتقدند اگر مادر قاتل باشد باید قصاص شود که این مسایل هنوز جای بحث دارد. بعضی دیگر معتقدند مادر هم شامل حکم قصاص نمی شود اما طبق رای اکثر علما پدر در این مساله استثنا بوده و اگر مرتکب قتل فرزند خود شد، نباید قصاص شود.» قوامی رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس اعلام کرد که کلیات طرح جدید در کمیسیون قضایی تصویب و تا سه هفته دیگر در صحن علنی مطرح خواهد شد. بر طبق نظر وی، طبق قوانین حقوقی اسلام، پدر و مادر نباید کودک را ضرب و شتم کنند و ضرب و شتم اگر در حدی باشد که بدن کودک، کیبود یا سرخ شود، موازین حقوقی اسلام برایش مجازات در نظر گرفته است. صحبت های دو نفر از «حقوق دانان» که با تکیه بر مستندهای حکومتی قرار است قوانینی به نفع کودکان تهیه کنند، حاوی نکته جالبی است. یعنی اینکه در طول بیست و دو سال حکومت ننگین رژیم ولایت فقیه، هیچ قانونی که مدافع حقوق کودکان باشد، وجود نداشته و هم اکنون تحت فشار افکار عمومی، «علمای اسلام» در صدد تصمیم گیری این موضوع هستند که آیا در صورت قتل يك کودک بی گناه پدر و یا مادر قصاص شود یا نه. طرح همین موضوع دید و بینش مرتجعان حاکم را در رابطه با آسیب های اجتماعی به خوبی نشان می دهد. ناهنجاری های اجتماعی پدیده هایی ساده نیستند که با اعدام و کشتار دیگر قربانیان خاتمه یابد. رژیم ولایت فقیه در حالی که تاکنون موضوع همسر کشی، کودک آزاری و دیگر موارد مشابه را مساله شخصی قلمداد می کرد، امروز در صدد است که با وضع قوانین ارتجاعی دیگر، به خیال خویش معضل آسیب های اجتماعی را حل کند. به راستی بر اساس کدامین قوانین انسانی و موازین جهانی حقوق بشر باید منتظر ماند تا روزی کودک خردسال زیر شکنجه های وحشیانه جان دهد و آنوقت تصمیم گرفت که بانی قتل مجازات شود یا نه؟ رژیم ولایت فقیه هنوز این موضوع که کودکان مورد آزار قبل از وقوع چنین جنایاتی باید از دست والدین شکنجه گر گرفته شوند و تحت حفاظت افراد و مراکز ذی صلاح قرار گیرند، را غیر شرعی و خلاف قوانین اسلامی می داند. اشاره به همین يك مورد خاص ریشه یابی این حقیقت که معضل اصلی در وجود رژیمی تاریک اندیش و عقب مانده است را به خوبی نزد افکار عمومی آشکار می سازد. همایش آسیب های اجتماعی بیشتر از آنکه بازگوکننده واقعیت وحشتناک جامعه ما باشد، عمق بی لیاقتی و تخریب تاریک اندیشی حاکمان کنونی را نزد افکار عمومی، آشکار می سازد.

ادامه مردم سفسطه گران و دشمنان آزادی را

نماینده منتخب ملت به صراحت می گویم آزادی اسلامی، آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی انتخاب، و آزادی نظارت همه جاذبه ملت بر همه ارکان حکومت است. به گزارش ایرنا، خاتمی سپس با طرح این سؤال که «چه کسی گفته است که آزادی مورد نظر ما یعنی بی بند و باری» اضافه کرد که: «فقط سفسطه گران و مخالفان با اسلام و آزادی حقیقی برای آنکه آزادی واقعی را از مردم بگیرند، آنها را تحریک می کنند که کسانی که دم از آزادی می زنند می خواهند بی بند و باری را بر جامعه تحمیل کنند» (به نقل از ایرنا، سه شنبه ۱۴ خرداد ۱۳۸۱).

اگرچه خاتمی نامی از این مخالفان آزادی و سفسطه گران نبرد ولی پی بردن به ماهیت این دشمنان آزادی و حقوق مردم کار دشواری نیست. در همان روز که آقای خاتمی این سخنان را ایراد کرد، سید علی خلمنه ای، ولی فقیه رژیم در سخنانی به مناسبت مرگ خمینی از جمله گفت: «آزادی مورد نظر نظام اسلامی، آزادی اسلامی است که از يك طرف با آزادی و لجام گسیختگی غربی و از طرف دیگر با پنداری بی منطق، متحجرانه و ایستا مخالف است... وی در ادامه همین سخنان اضافه کرد که: «در مردم سالاری دینی بر خلاف دموکراسی غربی، رای مردم يك قرار داد عرفی نیست، بلکه يك تعهد دینی می باشد...»

مقایسه سخنان خاتمی و خامنه ای به يك مناسبت و در يك روز باید قاعداً موضوع اینکه چه کسانی مخالف آزادی مردم اند و در این زمینه سفسطه می کنند، را روشن کند. آقای خاتمی از آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی انتخاب و آزادی نظارت مردم بر همه ارکان سخن می گوید و این اصول عمدتاً همان اصولی است که در منشور حقوق بشر سازمان ملل نیز مندرج است. این اصول نه تنها از سوی ولی فقیه رژیم پذیرفته شدنی نیستند، بلکه به زعم او بی بند و باری دموکراسی غربی است که با اصول نظام اسلامی مورد نظر تاریک اندیشان حاکم در تضاد قرار دارند. این تضاد همان تضادی است که مردم ما ملتهاست بر آن واقفند و وقت آن رسیده است که آقای خاتمی و همفکران او نیز این واقعیت را بپذیرند. از دید مرتجعان و تاریک اندیشان اصل آزادی و حق انتخاب مردم اصلی است غیر قابل قبول که بر سر آن هیچ گونه سازشی ممکن نیست. بر اساس چنین درک واقع گرایانه بی است که حزب ما ملتهاست بر این نکته تأکید می کند که رژیم ولایت فقیه در تضاد آشتی ناپذیری با آزادی و حقوق مردم قرار دارد و این تضاد و سد اساسی راه تحولات بنیادین جامعه ما را تنها با بسیج جنبش مردمی و تشدید مبارزه می توان از سر راه برداشت.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 635
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

4 June 2002

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

شماره حساب 790020580

کد بانک 10050000

بانک Berliner Sparkasse